

#### سبک‌نگرش



چرا ثروتمندان خود را محق می‌دانند؟

# من پولدارم پس حق با من است!

■ **تلخیص: حسین گل محمدی**

**پژوهش‌ها نشان می‌دهند افرادی که منزلت اجتماعی – اقتصادی بالاتری دارند، در مقایسه با کسانی که از آنها پایین‌ترند، بیشتر در معرض این هستند که خود را محق بدانند و مثل خودشیفته‌ها رفتار کنند.** مثلاً در یک مطالعه، عابر پیاده‌ای را سر چهارراهی شلوغ گذاشتند و منتظر نشستند تا ببینند چه ماشین‌هایی اجازه می‌دهند او از خیابان رد شود. همین‌قدر بدانید که ماشین‌های معمولی بسیار بیشتر از مرسدس‌ها و بی‌ام‌وها توقف می‌کردند. این تحقیق برایمان جالب است، چراکه با کلیشه‌های ذهنی‌مان از افراد پولدار منطبق است، ولی این سؤال که داشتن پول زیاد چه تأثیری بر روان ما دارد به‌هیچ‌وجه پیش‌افتاده نیست. پیامدهای اجتماعی و روانشناختی قرار گرفتن در رأس هرم اقتصادی و داشتن موقعیت ممتاز چیست؟... مطلبی را که در ادامه می‌آید ما یکل مکانیک سردبیر ارشد مجله مادر جوژ در باره این موضوع نوشته است.

#### دارا و نثار در بازی مونوپولی

در بعدازظهری آفتابیی، قیسل از همه‌گیری جهانی ویروس کرونا، من و پُل پیف در دفتر کار ساده‌اش در دانشگاه کالیفرنیا رویاوار نشسته‌ایم و مونوپولی بازی می‌کنیم. او به خانه پارک پلیس می‌رسد که مال من است. می‌گوید «لعنتی! من، علاوه‌بر پارک پلیس، سه راه‌هن، سه مونوپولی گران‌قیمت و چند خانه در جاهای مختلف دارم. پول بل پیف ته کشیده و حسابی توی در دسر افتاده است.

پیف ۲۹ساله استاد روانشناسی و متخصص این موضوع است که تفاوت در ثروت و منزلت چگونه بر ارزش‌ها و رفتارهایمان تأثیر می‌گذارد. روی میزش، کنار عروسکی کوچک از ایگی پاپ و یک اسباب‌بازی فشاری به شکل مغز، قلاب عکسی است حاوی تصویر کنسرو سول کمپل و این شعار که «کم‌ی همدلی کنیدا!» شاید پیف اهل همدلی باشد، ولی سرخوردگی‌اش از بازی آشکار است. می‌گوید منتظر است این بازی «مسخره» تمام شود تا برای شام به خانه برود. بازی به نظرش مسخره است، چراکه تا حد زیادی به نفع من دستکاری شده است. بیش از یک دهه قبل، هنگامی که پیف محقق پسادکتری (ازمایشگاه روانشناسی پرفسور داکتر کلنتر در دانشگاه کالیفرنیا بی‌پول بود، تعدادی بازی مونوپولی را دستکاری کرد تا ببیند وقتی افراد هنگام بازی به‌طور تصادفی در موقعیتی ممتاز نسبت به دیگران قرار می‌گیرند چه واکنشی نشان می‌دهند. حدود ۲۰۰ دانشجوی داوطلب با یکدیگر وارد بازی شدند. به بازیکن «پولدار» دو برابر بازیکن «فقیر» پول داده می‌شد، هر بار که از خانه شروع عبور می‌کرد و صفحه را دور می‌زد، دو برابر پول بیشتری می‌گرفت و از آنجایی که دو بار می‌توانست تاس بیندازد (بازیکن فقیر یک بار می‌توانست تاس بیندازد)، به دفعات بیشتری از خانه شروع عبور می‌کرد (بازیکن پولدار همچنین محبوب‌ترین مهره بازی یعنی ماشین را دریافت می‌کرد در حالی که هر قبض مهره نه‌چندان محبوب چکمه را می‌گرفت)

هرچه بازی جلو می‌رفت، بازیکنان پولدار مغرورتر می‌شدند. آنها با صدای بلندتری حرف می‌زدند، مهرشان را با شدت بیشتری حرکت می‌دادند و حتی از ظرف شیرینی‌هایی که محققان (به‌عنوان بخشی از آزمایش) کنارشان گذاشته بودند بیشتر می‌خوردند. پیف به من گفت: «میزها را هم مدرج کرده بودیم تا میزان فضایی را که بازیکنان از ابتدا تا انتها اشغال می‌کردند اندازه‌گیری کنیم. بازیکنان پولدارتر به تدریج فضای بیشتری را اشغال می‌کردند. آنها هرچه پولدارتر می‌شدند بزرگ‌تر می‌شدند.»

#### پولدارها خود را محق می‌دانند

ازمایش مونوپولی زیاد از لحاظ علمی متقن نبود و پیف هیچ‌گاه نتایج آن را منتشر نکرد، هرچند بعدها دیگران آن را تکرار کردند و پیف نیز در سخنرانی معروفش در تد با عنوان «پول یا شما را گستاخ می‌کند؟» به آن اشاره کرد. اما این نتایج با یافته‌های زیادی در علوم اجتماعی همخوان است که نشان می‌دهند افرادی که منزلت اجتماعی – اقتصادی بالاتری دارند، در مقایسه با کسانی که از آنها پایین‌ترند، بیشتر در معرض این هستند که خود را محق دانند و مثل خودشیفته‌ها رفتار کنند. ازمایش‌شوندگان پولدارتر

همچنین خودمحورتر هستند و بیشتر تمایل دارند در جهت منافع شخصی‌شان بی‌اخلاقی نشان دهند(مثلاً هنگام مذاکره دروغ بگویند یا از کارفرمایشان دزدی کنند). پیف و همکارانش در یک مطالعه عابر پیاده‌ای را سر یک چهارراه شلوغ گذاشتند و منتظر نشستند تا ببینند چه ماشین‌هایی اجازه می‌دهند او از خیابان رد شود. همین‌قدر بدانید که ماشین‌هایی همچون فورد و سوپارو بسیار بیشتر از مرسدس‌ها و بی‌ام‌وها توقف می‌کردند و اجازه می‌دادند عابر از خیابان رد شود.

این تحقیق برایمان جالب است، چراکه با کلیشه‌های ذهنی‌مان از افراد پولدار منطبق است، ولی این سؤال که داشتن پول زیاد چه تأثیری بر روان ما دارد به‌هیچ‌وجه پیش‌افتاده نیست هر چه

باشد.

### هر چه ثروت بیشتر می‌شود خساست هم بیشتر می‌شود!

پیف اوایل کارش دیده بود که تحقیقات بی‌شمار و ملال‌آوری درباره علل و آثار فقر انجام می‌شود، ولی هیچ‌کس به مسئله‌ای که او دنبالش بود نمی‌پرداخت: پیامدهای اجتماعی و روانشناختی

قرار گرفتن در رأس هرم اقتصادی و داشتن موقعیت ممتاز چیست؟ هر جا که پولدارها نفوذ زیادی در سیاست و سیاست‌گذاری دارند، تفاوت‌های ناشی از ثروت در نگرش‌ها و رفتارها اهمیت پیدا می‌کند. مثلاً اگر ثروت دلسوزی آدم‌ها را کم کند، حکومتی که معتقد است پولدارها باید به نفع مردم کار کنند ممکن است مجبور شود آنها را به این کار وادار کند.

افراد ثروتمند، حداقل در محیط آزمایشگاهی، کمتر از افراد فقیر با رنج دیگران همدردی می‌کنند. مشخص شده است وقتی مناسب

به کسی احساس دلسوزی داریم ضربان قلبمان کاهش می‌یابد. در سال ۲۰۱۲، دو نفر از همکاران آن زمان پیف، یعنی مایکل کراوس و جنیفر استلار، داوطلبان را به دستگاه الکتروکار دیوگرام (ای‌سی‌جی) وصل کردند و به آنها دو ویدئوی کوتاه نشان دادند: یک ویدئوی «خنثی» که در آن یک زن به آموزش ساخت دیوار پاسیو می‌پرداخت و یک ویدئوی «دلسوزی» که در آن تعدادی کودک برای درمان سرطان شیمی‌درمانی می‌شدند. نتایج نشان داد افراد فقیرتر نسبت به پولدارترها نه‌تنها دلسوزی بیشتری نسبت به کودکان ابراز می‌کردند بلکه ضربان قلبشان نیز از یک ویدئو به ویدئوی دیگر کاهش می‌یافت.

اگر رنج دیگران تأثیر کمتری بر افراد متمول داشته باشد، آنها احتمالاً به افراد نیازمند کمتر کمک می‌کنند و این یافته‌ای است که هم در آزمایشگاه و هم خارج از آن دیده شده است. درست است که به‌طور میانگین، خانواده‌های ثروتمند در مقایسه با خانواده‌های فقیر پول بیشتری به خیریه‌ها می‌دهند، اما این کمک نسبت کمتری از درآمدشان را شامل می‌شود. به قول پیف، «هرچه ثروت بیشتر می‌شود، خساست هم بیشتر می‌شود.»

#### بازده اندیش یا برابری اندیش؟

یک اقتصاددان رفتاری در دانشگاه بوستون به نام ریمودفنیسم دریافته است که نخبگان، صرف‌نظر از وابستگی سیاسی‌شان، بیشتر «بازده‌اندیش» هستند تا «برابری اندیش». او و چندنفر از همکارانش از جمله دنیل مارکوویتز، نویسنده کتاب دام شایسته‌سالاری در سال ۲۰۱۹، افراد لیبرال با منزلت بالا (دانشجویان حقوق دانشگاه ییل) را که حداقل با ۱۰۰نمره اختلاف خود را دموکرات می‌دانستند، بررسی کردند و از آنها خواستند



نسخه‌ای از بازی موسوم به بازی دیکتاتور را انجام دهند. به آزمایش‌شوندگان ژتون‌هایی قابل معاوضه با پول داد و به آنها گفته شد که می‌توانند هر تعداد ژتون که خواستند را به همیاری خود بدهند (این امکان وجود داشت که هیچ ژتونی به طرف مقابل ندهند). افراد بازده‌اندیش، هنگامی که کمک به دیگری هزینه زیادی برایشان نداشته باشد، مثلاً وقتی به آنها گفته شود که اگر تنها ۱۰ ژتون بدهند، دیگری ۲۰ ژتون دریافت می‌کند، سخاوتمندانه‌تر رفتار می‌کنند، ولی افراد برابری‌اندیش مانند ژتون‌هایشان را تقسیم‌کنند حتی اگر هزینه بیشتری به خودشان تحمیل شود. از این دسته‌بندی می‌توان برای پیش‌بینی اینکه آیا افراد از سیاست‌های مالیات بازتوزیعی حمایت می‌کنند یا خیر استفاده کرد. ۸۰درصد دانشجویان ییل، به‌رغم تمایلات ترقی‌خواهانه‌شان، بازده‌اندیش بودند، درحالی‌که این عدد میان عموم مردم ۵۹درصد است.

### پولدارها و موفق‌ها خودشان را سزاوار موفقیت می‌دانند

این دوباره ما را به مونوپولی برمی‌گرداند. به گفته پیف، جالب‌ترین بخش آزمایش زمانی بود که پس از بازی از افراد پرسیده می‌شد کدام‌یک از کارهایشان بر نتیجه بازی اثر گذاشته است. پاسخ

# سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۶۹۸۷۱

## د

مطالعات بی‌شماری نشان می‌دهد طبقه بالا مایل به «حفظ خود» است، یعنی کسانی که خود را از لحاظ تحصیلی، شغلی و دارایی برتر از دیگران می‌دانند مایلند منزلت گروه خود را حتی به‌قیمت آسیب‌به گروه‌هایی که نالایق‌تر می‌پندارند، حفظ کنند. این یافته‌ها این باور را به چالش می‌کشد که ثروت مسئولیت می‌آورد. ظاهراً مقام بالاتر ثروتمندان را ملزم نمی‌کند به نفع جامعه عمل کنند.

معقول و درست این بود که بازی دستکاری شده و بازیکن پولدار شناس آورده بود، اما بازیکنان پولدار تقریباً دو برابر بیشتر از بازیکنان فقیر راجع به استراتژی بازی حرف می‌زدند، یعنی معتقد بودند خودشان باعث پیروزی‌شان شده‌اند. در دنیای واقعی نیز همین است. بعضی از مادر موقعیتی‌بتر از دیگران به دنیا می‌آییم، ولی به گفته پیف، «هرک افراد از امتیاز ما محرومیت نسبی‌شان اینچنین نیست، بلکه توچه‌شان را به کارهایی که انجام داده‌اند معطوف می‌کنند: من سخت کار کرده‌ام، من در مدرسه زحمت کشیده‌ام و به همین شکل توجیه می‌تراشند.»

آدم‌های موفق معمولاً در اس‌اوار موفقیت‌هایشان می‌دانند. به همین خاطر معتقدند آدم‌های کمتر موفق نیز خودشان مسئول عدم موفقیتشان هستند. به گفته پیف «این استدلال احتمال اینکه علت نابرابری را برای خود تفسیر کنید، توچیش کشید و آن را عادلانه جلوه دهید بیشتر است.»

#### طبقه بالا مایل به «حفظ خود» است

کراوس و کلنتر که هر دو روانشناس هستند، مشاهده کرده‌اند افرادی که خود را در رأس هرم اجتماعی می‌بینند به‌طور معناداری بیشتر از

ذات‌گراییی یعنی پاور به اینکه ویژگی‌های گروهی

غیر قابل تغییر بوده و منشأ زیستی دارند، حمایت می‌کنند، همان باورهایی که برای توجیه بدر رفتاری با افراد کم‌منزلی همچون مهاجران و اقلیت‌های قومی به کار گرفته می‌شود. به گفته کلنتر، مطالعات بی‌شماری نشان می‌دهد طبقه بالا مایل به «حفظ خود» است، یعنی کسانی که خود را از لحاظ تحصیلی، شغلی و دارایی برتر از دیگران می‌دانند مایلند منزلت گروه خود را حتی به‌قیمت آسیب‌به گروه‌هایی که نالایق‌تر می‌پندارند، حفظ کنند. این یافته‌ها این باور را به چالش می‌کشد که ثروت مسئولیت می‌آورد. ظاهراً مقام بالاتر ثروتمندان را ملزم نمی‌کند به نفع جامعه عمل کنند. اگر یک فرد عادی اطلاعات انجام‌شده درباره ثروت و رفتار را بخواند ممکن است این طرز توجیه‌گیری کند که ثروتمندان عوضی‌اند، ولی این برداشت منصفانه‌ای نیست. به گفته پیف «وقتی راجع به این یافته‌ها حرف می‌زنم به نظر می‌رسد دارم به پولدارها حمله می‌کنم، ولی من علاقه‌ای به این کار ندارم.» ممکن است یک نفر بسیار پولدار باشد، ولی این الگوها را از خود نشان ندهد یا خیلی فقیر باشد و آنها را نشان دهد. او و همکارانش میانگین پاسخ‌ها را حساب کرده و اثراتی که یافته‌اند نیز «کوچک تا متوسط» است. آنچه مسئله کلیشه‌های ذهنی ما را پیچیده‌تر می‌کند این است که دلسوزانه‌ترین پاسخ لزوماً بهترین پاسخ نیست. آموذنی‌های ثروتمند، صرف‌نظر از مسائل سیاسی، در مقایسه با افراد کمتر ثروتمند، بیشتر ذهنیت فایده‌گرا دارند. مطابق با آنچه پیف و همکارانش در یک مقاله آورده‌اند، داشتن ذهنیت فایده‌گرا ثروتمندان را قادر می‌سازد تا «برای رسیدن به خیر بیشتر تصمیماتی غری از احساسات بگیرند و این کاری است که انجامش برای دیگران ممکن است بسیار سخت باشد.»

مثلاً هنگام یک همه‌گیری جهانی، ممکن است لازم شود مسئولان بهداشتی این احتمال را سبک‌سنجی کنند که یک واکنس خاص به تعدادی از دریافت‌کنندگان آسیب‌شدیدی بزند، ولی جان میلیون‌ها نفر را نجات دهد.

وقتی داشتیم پول‌هایمان را می‌شمردیم، پیف راجع به واکنش‌های منفی نسبت به تحقیقاتش در این سال‌ها حرف زد؛ کلی ایمیل نفرت‌انگیز. او گفت: «قبلاً خیلی بیشتر از این اخیل‌ها برابرم می‌آمد. هنوز هم به گمانم روزی یکی بیاید. فکر می‌کنم بیشترش سیاسی است، چون ظاهر آیدنولوزی نقش زیادی در آن دارد.» از او پرسیدیم آیا فکر می‌کنند ارزش‌های ترقی‌خواهانه‌اش تأثیری بر یافته‌های تحقیقاتی‌اش داشته است یا خیر. پذیرفت که ارزش‌هایش «احتمالاً بر ذات کارش» و سؤالاتی که می‌پرسد اثر داشته‌است.

همین‌طور که داشت توضیح می‌داد فهمیدم در محاسباتم گند زده‌ام. باید ۱۰ برابر بیشتر از او پول می‌گرفتم نه ۹ برابر. گفتم «پس من یک ۵۰۰ دلار دیگر برمی‌دارم، باشد!» با سردرد کمی به من نگاه کرد و با کنایه گفت: «خیلی ممنون که وقتی داشتم برایت درد دل می‌کردم بخش زیادی از ذهن تو جهت‌را معطوف به این کرده بودی که ببینی چقدر بیشتر باید گیرت بیاید...»

امان از ذهن مردم عالمی!

**وب‌سایت ترجمان نوشته: مایکل مکانیک / ترجمه: محمدحسن شریفیان / مرجع: آتلانتیک**

#### سبک رفتار



پشت سر نفر سوم غیبت

و در زندگی او تجسس نکنیم

## برای برادرت چاه نکن

■ **حجت‌الاسلام علیرضا فرهنگ\***

همه در کنار هم بودیم. فضای صمیمیت و دوستی باعث شده بود هر از گاهی اقوام و خویشان کنار هم حس خوبی تجربه کنند. حسی که از آن صفا، همدلی، گذشت، محبت و خدمت به یکدیگر تراوش می‌کرد، اما آنچه باعث شد این گرمی به سردی و بی‌تفاوتی و حتی متأسفانه کینه و بددلی مبدل شود، رد و بدل شدن حرف‌هایی پشت سر همدیگر بود که به آن غیبت می‌گویند. غیبت یعنی چیزی را پشت‌سر هم‌نوع و برادرت بگویی که اگر مقابلش گفته شود او ناراحت می‌شود. حتی بعضی برای اینکه خودشان را از این‌گناه و صفت زشت دور کرده و از زیر بار این مسئولیت‌شانه خالی کنند، با این حرف که اگر خودش هم باشد جلوش هم خواهد گفت، این آتش را شعله‌ورتر و بذر کینه را در دل‌های بسا کاشته و جمع‌های صمیمی را از بین می‌برند.

■ **چرا غیبت گناهی بزرگ است؟**

بی‌تردید غیبت و بد‌گویی پشت سر دیگران یکی از زشت‌ترین صفت‌ها گناهانی است که نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت، اما چرا غیبت گناهی بزرگ است؟ چون غیبت ریختن آبروی مؤمن و پایمال کردن حق اوست، چون او نیست تا از خود دفاع کند. چون غیبت باعث به هم ریختن زندگی‌ها و دور کردن دل‌ها از یکدیگر می‌شود. غیبت عادی نشان دادن گناه و معصیت پرده‌برداری از رازهای ناگفته و حوصی و مخفی افراد است. غیبت باعث از بین بردن اعتبار و آبروی افرادی که چه بسا سال‌ها برای کسب آن زحمت کشیده و مواظبت کرده‌اند می‌شود. بدیا به حال کسی که درصدد ریختن آبروی افراد و دنبال رسوا کردنشان باشد. قطعاً خدای متعال او را رسوا خواهد کرد. حتی اگر در کنج مخفیگاه خود باشد.

غیبت باعث از بین رفتن اعمال انسان شده و آتشی است بر خرمن اعمالی که سال‌ها و روزها برای آن زحمت کشیده است و انتقال بدی‌های غیبت‌کننده به کسی که از او غیبت شده و انتقال خوبی‌های غیبت‌کننده به غیبت‌شده. غیبت مسب فروپاشی مقدس‌ترین نهاد به نام خانواده است که بارها هر حفظ و تقویت آن سفارش شده است. چه زیبا همنشار داد پیامبر خوبی‌ها که هر که مرد یا زن مسلمانی را غیبت کند، خداوند تعالی ۴۰ روز و شب نماز و روزه او را قبول نکند، مگر اینکه کسی که غیبتش را کرده، از وی درگذرد.

■ **برای برادرت چاه مکن!**

غیبت چاهی است که انسان خود را در آن گرفتار خواهد کرد. او فکر می‌کند با بازی کردن با آبروی دیگران می‌تواند برای خود جایگاهی را دست و پا کند اما نمی‌داند خود در آن گرداب یا چاه گرفتار می‌شود. از همین رو امام صادق (ع) می‌فرماید: «غیبت نکن که غیبتی می‌کنند. برای برادرت چاه مکن که در آن می‌افتی.» چون همانطور که برخورد می‌کنی با تو بر خود می‌شود. تا به حال به این مهم اندیشیده‌ایم که چرا غیبت می‌کنیم؟ بدون شک علت اصلی آن ضعف ایمان و ضعف اعتقاد به خداوند متعال است. هر کس بداند خالق خوبی‌ها از آبرو بردن مخلوقات غضبناک می‌شود و در مقابل آن عذابی دردناک است، آیا این گناه را مرتکب می‌شود؟

■ **چه کنیم تا غیبت نکنیم؟**

از منظر علم روانشناسی و دیدگاه روانشناسان حس حسادت در وجود غیبت‌کننده باعث می‌شود او نتواند جایگاه یا طرف مقابل خود را ببیند. پس برای از بین بردن آن جایگاه غیبت می‌کند تا به خیال خود جای خودش را محکم‌تر کند. از نظر اجتماعی نیز فرد غیبت‌کننده وچه‌اجتماعی خود را می‌خواهد محکم کند. از همین رو فکر می‌کند با غیبت کردن و حرف زدن پشت سر دیگران جایگاه او را پایین و منزلت خود را بالا می‌برد، در حالی‌که زهی خیال‌بطل که بتواند با آبروبریزی از افراد و غیبت کردن درباره آنان، برای خود جایگاهی دست و پا کرد. از نظر اخلاقی نیز شخص غیبت‌کننده خود را از مقام انسانیت تنزل داده و با این کار باطن و سیرت خود را نشان می‌دهد و آلوده می‌سازد. اما سؤال اساسی اینجاست که چه کنیم تا غیبت نکنیم؟ بی‌تردید این سؤال را می‌توان اینگونه پاسخ داد: تقویت ایمان و باورهای دینی خود. هر آن که اتصالش به منبع عظیم الهی باشد، دلی پر از محبت و گذشت پیدا می‌کند. معنویت و تقویت ایمان مؤمن و دوری از بدبینی به دیگران شرط اصلی است. از بین بردن روحیه جست‌وجو و ناخک‌زدن به زندگی دیگران و تجسس در زندگی افراد، باعث غیبت می‌شود.

■ **غیبت به مثابه خوردن گوش‌ش برادر مرده**

خداوند جهانیان در آیه ۱۲ سوره حجرات ضمن ذکر گناه غیبت، انسان را از این تجسس بر حذر می‌دارد. فکر گناه باعث بیداری انسان می‌شود و جلوی پرده‌برداری از اسرار مؤمن را می‌گیرد. همانطور که می‌دانیم قرآن این گناه کبیره را به مثابه خوردن گوشت برادر مرده می‌داند و در آیات و روایات وارد شده است. به مراتب شدیدتر و بدتر از گناه زنا توصیف و به شدت از آن نهی شده است. غیبت همان حق‌الناس و حرام بوده و پایمال کردن حق و حقوق دیگران است. علاوه بر غیبت، گوش دادن به غیبت نیز حرام است و شنونده را مرتکب گناه می‌سازد.

■ **غیبت پشت سر نفر سوم ممنوع!**

در تعاملات اجتماعی غیبت موجب کینه و نفرت و بدبینی انسان‌ها نسبت به یکدیگر شده و زندگی اجتماعی آدم‌ها را با مخاطره روبه‌رو می‌سازد. از همین روست که امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر کس در مجلسی مانع از بد‌گویی و غیبت برادر دینی (غایب) خود شود، خداوند هزار باب از شرور دنیا و آخرت را از او باز خواهد داشت.» آن کسی که خود سبک بزند و همواره غیبت مردم را می‌کند، خود او از هر کس دیگر به سفت عصیان و گنجهکاری سزاوارتر است.

مسلمان برادر مسلمان است، نه به او ستم می‌کند و نه دست از باری‌اش برمی‌دارد، نه غیبت او را می‌کند و نه به وی خیانت می‌ورزد و نه از خواسته‌هایش وی را محروم می‌سازد. کسی که نزد او از برادر مؤمنش غیبت شود و او نتواند وی را یاری و دفع غیبت نماید اما شانه خالی کند، خداوند او را در دنیا و آخرت خوار و درمانده خواهد نمود. پس بیاییم به حرف‌های افراد تردیب‌تر ندیم و جلوی نقل مطالب از افراد راد غیبتشان بگیریم و بگوییم نباید خود آن نفر سوم اینجا باشد تا از خود دفاع کند این یعنی غیبت پشت سر نفر سوم ممنوع!

✽ **پژوهشگر سبک زندگی**